

اعدام مجازات نیست جنایت است!

اعظم کم گویان

جمهوری اسلامی سالانه چندین بار مراسم اعدام را رسماً با بر پا کردن چوبه های دار در ملا عام به اجرا در می آورد. این رژیم رکود صد هزار نفری در اجرای اعدام دارد. در عربستان سعودی جمعه هر هفته پس از اخبار شب، گوینده تلویزیون بیانیه رسمی وزارت کشور در مورد افرادی که طی هفته گذشته با شمشیر سرشان را در ملا عام در میدان مخصوص اینکار از تن جدا کرده اند، را به اطلاع مردم می رساند. دولت عربستان در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ سر ۲۱۰ نفر را با شمشیر اسلام از تن جدا کرد. عربستان سعودی یکی از جوامع بسته و مخوف اسلامی است و دولت آن اعلام کرده که شریعت اسلام با اجرای مجازات اعدام، عدالت را برای همه تامین می کند. در ایران جمهوری اسلامی رسماً اعدام ۲۱۵ نفر را در سال گذشته اعلام کرده و تعدادی از این احکام را با دار زدن بوسیله جرثقیل در ملا عام به اجرا درآورده است. اما نه این ارقام واقعیات هولناک را بیان می کنند و نه مجازات اعدام منحصر به جوامع مشابه ایران و عربستان سعودی است. در سال گذشته ۳۸۵۷ نفر در ۶۳ کشور جهان اعدام شده اند. در بیش از ۹۰ کشور جهان مجازات اعدام، قانونی تثبیت شده و لازم الاجراست و سه دولت بزرگ دموکراسی دنیا یعنی آمریکا، ژاپن و هند از طرفداران و مجریان سرسخت آن هستند. در آمریکا جامعه ایده آل دموکراسی و سرمایه داری از سال ۱۹۷۶ که مجازات اعدام مجدداً در آن احیا شد اعدامها هر سال رو به افزایش بوده، تا پایان سال جاری بیش از صد نفر اعدام خواهند شد و ۳۵۶۵ نفر دیگر نیز منتظر اجرای حکم اعدامشان هستند.

اعدام یکی از جلوه های تلخ و سیاه تاریخ زندگی بشر است و هر زمان که حرمت و ارزش زندگی انسان در جامعه افت کرده، اعدام هم رواج بیشتری یافته است. اعدام قتل عمدی است از پیش برنامه ریزی شده و هدف از تثبیت و اجرای آن وادار کردن مردم و جامعه به اطاعت از قوانین و سلطه طبقه حاکم است. بوکانن، لوپن، پادشاه عمومه دار عربستان، گینگریچ، ولی فقیه و آخوندهای ریز و درشت حاکم بر ایران و کلینتون و بوش و ... با تثبیت و اجرای این توحش، تلاش می کنند نفس حیات و موجودیت و حرمت انسانی را با قساوت بیشتری به بند بکشند.

مجازات اعدام توحش است نه به این خاطر که محکومین به اعدام ممکن است بیگناه بوده باشند، یا فقیر و سیاهپوست و دچار تبعیضات مذهبی و فرقه ای باشند، بیماری روانی و اختلالات مغزی داشته باشند، امکانات قانونی برای دفاع از خود را نداشته باشند یا زیر سن قانونی باشند. اعدام مجرمینی که هیچکدام از موارد بالا هم در موردشان صادق نیست، جنایتی قانونی و سازمان یافته است که دولتها و مقامات حاکم با ظاهری "متمدنانه"، سازمان یافته و در اوج عقل و شعور و در نهایت خونسردی روزمره آن را به اجرا درمی آورند.

در افکار عموم مجازات اعدام را بعنوان وسیله ای برای اصلاح جامعه و یا ترساندن و مرعوب کردن مجرمین

جانداخته اند. اما این وارونه است. مجازات اعدام هیچوقت قادر نبوده بترساند یا اصلاح کند. برعکس در کلیه جوامعی که مجازات اعدام حاکم است میزان قتل و جنایت بیشتر شده است. در جامعه ای که دولت قانونا آدم می کشد و آن را بعنوان روش اصلاح زندگی مردم جا می زند، خشونت نفوذ و پرو بال بیشتری می گیرد. این چه جامعه ای است که برای اصلاح خود و یا دفاع از خود سلاحی بهتر از صندلی الکتریکی، شمشیر اسلامی، طناب دار، اطاق گاز، آمپول کشنده و جرثقیل ندارد؟ مجازات اعدام و سیستم جامعه ای که این مجازات برای سرپا نگهداشتن آن تجویز و تثبیت شده، فقط و فقط جنایت و خشونت را بازتولید می کند.

در توجیه مجازات اعدام می گویند که عدالت را برقرار می کند و با چنگ انداختن به عواطف و احساسات قربانیان جرم و جنایت، قانون وحشیانه قصاص و "چشم در برابر چشم" و انتقام گیری را رواج می دهند. عدالت مفهومی بسیار انسانی، متعالی و مثبت است. عدالت بمعنی تقسیم خشم و رنج و مرگ و استیصال نیست. هدف و نتیجه عدالت، تامین انتقامجویی و خلق جنایت و خشونت برای مقابله با جنایتی دیگر نیست. این چه جامعه و سیستمی است که کشتن مساوی و یکسان انسانها را عدالت جا می زند؟ اعدام با عدالت، اخلاق و معنویت انسان مغایرت دارد.

اما توجیهات "اصلاح جامعه" و "برقراری عدالت" نه فقط مجازات اعدام را مشروع و معقول جلوه می دهند بلکه روی واقعیات بنیادی تری سرپوش می گذارند. این توجیهات، ریشه جنایت و جرم و مسبب و بانی آن یعنی نظام سرمایه داری و دولتهای حافظ آن را که منشا همه بیعدالتی ها هستند، لاپوشانی می کنند و فرد را بعنوان تنها بانی، منشا و عامل جرم و جنایت معرفی می کند. بقول روزا لوگزامبورگ عدالت طبقه بورژوازی مثل تور ماهیگیری است؛ توری که اجازه عبور به انواع کوسه ها را می دهد و فقط درصد گرفتار کردن ساردین های کوچک است.

تبعیض، استیصال، درماندگی، فقر و نابسامانیهای خانوادگی و اجتماعی و یا روان بیمار، بخشی از مردم را ناچارا به ارتکاب جرم می کشاند. سرمایه داری و دولتهای حافظ آن نه تنها بانی و منشا تحمیل این مصائب و مشکلات بر مردم و آفریننده جنایات بزرگ هستند، بلکه زیر لوای تامین عدالت و اصلاح جامعه به زندگی و حق حیات مردم تجاوز کرده، جان آنها را می گیرند و مرگ و خشونت بیشتری را رواج می دهند.

حیات و زندگی حق تخطی ناپذیر هر انسانی است. هدف از هر نوع مجازات مجرمین باید اصلاح آنان و مصون داشتن شهروندان و جامعه از وقوع مجدد جرم و جنایت باشد. اعدام جنایتی بزرگ در حق بشریت است. مجازات اعدام باید لغو شود!

azam_kamguian@yahoo.com